



نیاز اقتصاد ایران

صفحه ۲

# پزشکیان: از مبدأ هر کشوری به ما حمله شود پاسخ خواهیم داد

## دفاع از کشور در تمام سطوح ادامه دارد

# تاب‌آوری پایتخت در روزهای بحران تهران برای شرایط اضطراری آماده می‌شود

صفحه ۳

## «تبادل» روند بازار سهام را بررسی می‌کند

### بورس در وضعیت نیمه‌تعطیل

بورس تهران در روزهای اخیر یکی از پرپیام‌ترین روزهای خود را پشت سر گذاشت، شرایطی که نه تنها سرمایه‌گذاران خرد، بلکه بسیاری از فعالان حرفه‌ای بازار نیز در تلاشند تصویر روشنی از آنچه واقعاً در حال وقوع است به دست آورند. پرسشی که بارها در میان سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مطرح شده است که «آیا بازار واقعاً فعال است؟» در پی تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به کشور، شورای عالی بورس با هدف صیانت و حفظ از دارایی سرمایه‌گذاران ...

صفحه ۳ را بخوانید

طی روزهای آینده ابلاغ می‌شود

## بسته حمایتی صمت برای صنعت

با گذشت یک هفته از آغاز جنگ تحمیلی اسرائیل و آمریکا علیه ایران، وزارت صنعت، معدن و تجارت در همکاری با دولت، در حال نهایی کردن و اجرائی کردن یک بسته جامع حمایتی برای صنایع و تولیدکنندگان داخلی است. هدف از این بسته، کاهش فشارهای مالی و بانکی و فراهم کردن شرایط تنفس برای واحدهای تولیدی در شرایط بحرانی است.

صفحه ۴ را بخوانید

## حسین حقگو در یادداشتی تحلیلی می‌کند

# «جنگ» و دو سویه اقتصاد

همین صفحه



## گزارشی «تبادل» از حمله به تاسیسات ذخیره و انتقال سوخت در تهران و البرز

# شعله در مخازن، آرامش در پمپ‌ها

۲

یادداشت - ۱

## ضربه آمریکا به نظام سرمایه داری



هادی حق شناس

امروز آمریکا نماد سرمایه‌داری جهانی است؛ نظامی که تنها بر پایه سود و استفاده مالی و گزارش‌های اقتصادی بر پا شده است. نظام سرمایه‌داری جهانی به معنی واقعی کلمه نه در

جنگ جهانی اول آسیب جدید دید و نه در جنگ جهانی دوم خسارات جدی را متحمل شد. پس از جنگ جهانی دوم بود که بسیاری از نهادهای مالی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک تجارت جهانی و... در امریکا شکل گرفتند و واحد پولی دلار در اثر تحولات جنگ جهانی دوم بود که به عنوان ارز مرجع در جهان مسلط شد. نباید فراموش کرد که جوهر و خمیرمایه نظام غرب و نظام سرمایه‌داری جهانی، مبتنی بر کسب ثروت و اقتصاد و پول است. اساساً این نظام جهانی ایجاد شده تا اقدام به زایش پول و تجارت و داد و ستد کند. هر سیاست و راهبردی که اتخاذ شود و در نتیجه منجر به تضعیف نظام سرمایه‌داری شود، اصل این ساختار را هدف قرار داده و نهایتاً آن را تضعیف می‌کند. طبیعی است که اقداماتی از جنس جنگ و تخاصم می‌تواند به این نظام ضربه زند و آن را وارد به تغییر سیاست‌ها کند. آنچه در جنگ بین ایران و اسرائیل و امریکا رخ داده به‌طور عینی باعث تضعیف نظام سرمایه‌داری جهانی شده است. بهانه و دستاویز اسرائیل و امریکا این است که ایران در ظاهر نباید به سلاح اتمی دست یابد یا توان موشکی اش کاهش یابد. در چند دور مذاکره صورت گرفته (درم - مسقط، نیویورک و ژنو) دستور کار این بود که باید راهی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای صورت گیرد. اما واقعیت پشت پرده این است که امریکا می‌خواهد بر اقتصاد ایران و ظرفیت‌های فرایند انرژی ایران مسلط شود. مانند اقداماتی که در تانزانیا انجام داد و سرمایه‌های این کشور را بلعید. امریکانیم قرن است که از انرژی ایران فاصله گرفته که برای این کشور زمانی بسیار طولانی محسوب می‌شود.

امریکا احساس می‌کند پیش از این تحمل دوری از نفت و گاز ایران را ندارد. لذا برای دسترسی به این منابع دویونولوا جنگی را آغاز کرده که نتیجه آن به هیچ وجه مشخص نیست. در نقطه مقابل ایران با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و انسجام ملی مردمش دفاع مشرعی را طی ۹ روز گذشته در دستور کار قرار داده که باعث تعجب همه جهانیان شده است. تکیه ایران بر توان داخلی و مشارکت مردم از برای است که به نظر می‌رسد قوی‌تر از ابزار نظامی و افکار عمومی جهان باشد. امروز مردم بسیاری از کشورهای غربی به همین دلیل راهپیمایی کرده و خواستار پایان دادن به جنگ آمریکا و اسرائیل در ایران شده‌اند. تبعات اقتصادی این جنگ برای سرمایه‌داری جهانی بسیار زاینبار است. عدم تردد کشتی‌های نفتکش از تنگه هرمز باعث شده قیمت بنزین در امریکا سیر صعودی و افزایش یافته و ناپذیرانی‌ها را در این کشور افزایش دهد. از سوی دیگر قیمت گاز نیز در سطح جهانی به خصوص در اروپا بالا رفته و با رشدی حدوداً ۴۵ درصدی مواجه شده است. این موارد بی‌تردید در وهله نخست کشورهای تحت تاثیر قرار می‌دهد که ذیل کشورهای سرمایه‌داری قرار دارند. مهم‌تر از این آنکه احساس ناآمنی و خطر به خاطر کاهش ذخایر نفت و گاز در آسیای جنوب شرقی و سایر کشورهای جهان جدی است. ۲۰ درصد گاز جهان از تنگه هرمز تامین می‌شود. ۲۰ درصد نفت جهان هم از این تنگه تامین می‌شود. طی ۹ روز اخیر قیمت نفت حداقل ۵۰ دلار افزایش یافته است. یعنی روزانه ۳ میلیارد دلار بر هزینه انرژی جهانیان افزوده شده است. هزینه‌های سخت‌افزاری که ناشی از نابودی پایگاه‌های امریکایی بوده است و از سوی دیگر شکست ایست امریکاد در عدم اسکورت نفتکش‌ها؛ تنگه هرمز که ترامپ وعده داده بود، همگی دیگر هزینه‌های امریکاد در این جنگ است.

اما افزایش قیمت انرژی، سقوط بورس‌های جهانی و... برای امریکا و نظام سرمایه‌داری نه در بلندمدت بلکه در کوتاه‌مدت هم غیر قابل تحمل شده است. به همین دلیل وزیر انرژی امریکا با دستپاچگی اعلام کرده که پس از جنگ طی چند هفته افزایش قیمت‌ها جبران می‌شود و در واقع وعده داده که قیمت نفت به سرعت کاهش می‌یابد. اما بازگشت اقتصاد به یک چنین تعادلی به این سادگی‌ها نخواهد بود. چرا که اقتصاد، گزاره‌ای تک‌متغیری نیست تا پس از پایان جنگ به صورت مکانیکی به نقطه اول باز گردد. لذا خسارتی که به دلیل این جنگ تحمیلی برای اقتصاد ایران با امریکا بلکه بر اقتصاد جهان تحمیل شده است، نیازمند گذشت سال‌ها و ماه‌ها است تا بتوان بخشی از آن را جبران کرد.

تیتر یک

## «جنگ» و دو سویه اقتصاد ایران



حسین حقگو

در زیر سایه جنگ، جنگی که چه بسا می‌شد مانع آن شد، فعالیت‌های اقتصادی در جریان است که تعداد آن امکان حیات میلیون‌ها انسان ایرانی در این شرایط بسیار سخت و ناگوار را فراهم می‌آورد. خوشبختانه

چرخ‌های تولید و زنجیره توزیع برای تامین کالاها و اساسی در چرخش است و علی‌رغم کمبودهای موردی و مقطعی، به‌طور عام بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی باز حیات مدبران و کارگران سختکوش آنها، فعال‌اند. بخشی از این تاب‌آوری را باید در حاکمیت یا غلبه نگرش «خودکفایی» و «جایگزینی واردات» در طول چند دهه در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور دانست. تبع دلبه‌ای که از یک سو اقتصاد درونگرا و ضربه‌پذیری آن از فشارهای خارجی نسبتاً زیاد است و اما سویه دیگر آن چنان که در این سال‌ها بسیار بر آن تاکید شده است، اقتصادی معیشتی و سنتی و نیمه صنعتی و غیررقابتی بوده که پاشنه آشیل اقتصاد و سیاست هر کشوری و از جمله کشورمان بوده است. در واقع یکی از دلایل وضعیت جنگی امروز کشورمان همین سویه بوده است؛ قرار نداشتن در زنجیره تامین و تولید جهانی. نقطه ضعف بزرگی که امکان زیر ضرب و فشار و تهدید قرار گرفتن کشور را سبب شده است.

اقتصاد محدود و در خود، بی‌شب سازو کار و ساختار

یادداشت - ۲



حمید حاج اسماعیلی

در شرایطی که هنوز تصمیم قطعی در خصوص ارقام تعیین شده برای نرخ دستمزدها در سال ۱۴۰۵ اتخاذ نشده، بحث‌ها و تحلیل‌های درباره نرخ نهایی دستمزدها به گوش می‌رسد.

بر اساس قانون شورای عالی کار، سه ضلع اصلی تعیین دستمزدها شامل دولت، کارفرمایان و نمایندگان کارگران هر کدام تلاش می‌کنند نظر خود را به عنوان تصمیم‌شورای عالی کار تثبیت سازند. اخبار منتشر شده و گفت‌وگوهای بیرون آمده از درون نشست‌های شورای عالی کار نشان می‌دهد دولت و کارفرمایان، مساله افزایش دستمزدها به اندازه نرخ تورم را قبول کرده‌اند اما نمایندگان کارگران معتقدند با توجه به مشکلات اقتصادی و معیشتی کشور میزان افزایش دستمزدها

باید بیش از نرخ تورم سالانه باشد. بر اساس برخی اخبار منتشر شده نرخ سبب معیشتی هم حداکثر طی یک هفته آینده تعیین می‌شود. تا به امروز عدد حدودی افزایش دستمزدها حول و حوش ۴۵ تا ۵۰ درصد پیش‌بینی می‌شود. اما کارگران با توجه به تکان‌های تورمی (مثلاً نرخ تورم خوراکی‌ها بالای ۸۰ درصد ثبت شده) خواستار افزایش بیشتر دستمزدها هستند. واقع آن است که در شرایط فعلی، فاصله بین این دو زاویه نگاه در خصوص حقوق و دستمزدها، وجود دارد و باید دید نهایتاً تصمیم دولت (به عنوان رکن اثرگذار) به سمت کدام یک از این رویکردها خواهد بود. فکر می‌کنم دولت قبول کرده که دستمزدها به اندازه نرخ تورم و محدوده ۵۰ درصدی بالا رود. هم دولت این موضوع را پذیرفته و هم مجلس اعلام کرده مجوزهای لازم برای این افزایش دستمزدها را اعطای کرده است. موضوع مهم بعدی تلاشی است که کارگران برای افزایش دوباره دستمزدها در طول سال دارند. اگر دولت بتواند با این راهکارهای

یادداشت - ۲

## تحلیلی از تجارت با امارات



بهنام ملکی

متأسفانه با وجود نهادهای بین‌المللی مثل سازمان ملل، هیچ قانونی در دنیا وجود ندارد و یک فضای جنگلی حاکم شده که هر کس زورش بیشتر است کار خودش را پیش می‌برد. در تجاوز امریکا و اسرائیل به کشورمان ایران

که از شنبه گذشته صورت گرفته نیز چنین موضوعی به وضوح دیده می‌شود. بنابراین کشورها ناچارند در همه ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و سایر مولفه‌ها خود را تقویت کنند. انتشار اخباری مبنی بر اینکه دولت امارات متحده عربی در حال بررسی طرحی برای بلوکه کردن دارایی‌های ایران در این کشور است، به اعتقاد من این موضوع خواسته اماراتی‌ها نیست و با فشار امریکا و رژیم صهیونیستی، چنین موضعی اتخاذ کرده‌اند. امریکا و اسرائیل دنبال این هستند که شرکایشان را زیاد کنند و بدشان نمی‌آید پای سایر کشورهای حمله‌کشورهای منطقه را به جنگ با ایران بکشانند. انتظار بر این است که امارات و دیگر کشورها ملاحظاتی همسایگی، اشتراکات دینی و فرهنگی و منافع متقابل را در نظر بگیرند و به نفعشان نیست وارد این جنگ شوند. وقتی اسرائیل به وضوح از شعار نیل تا فرات سخن می‌گوید بدان معناست که عمده کشورهای عربی هم در معرض تهدید هستند. بنابراین باید موضعی در مقابل اسرائیل اتخاذ کنند اما کشورهای عربی با وجود آنکه سعی می‌کنند ملاحظاتی با افکار عمومی را در نظر بگیرند و رویکردی مقابله‌ای با رژیم

صهیونیستی در آنها دیده نمی‌شود. حتی اگر جنگ طولانی شود ممکن است حاکمان کشورهای همسایه هم با جبهه مقابل ایران همراهی و هم‌راستایی ندارند و یک فضای جنگلی مسدودسازی دارایی‌های ایران، از جنس این احتمالات است. اما چنین اقدامی هم برای امارات و هم برای ایران مشکلات جدیدتری را ایجاد خواهد کرد و تجارت دوجانبه را دچار چالش می‌کند.

در حال حاضر شرکت‌های ایرانی زیادی در دوی فعالیت می‌کنند. امارات در شرایط تحریم نقش واسط را بین ایران و سایر کشورها حتی چین و روسیه ایفا می‌کند و به نوعی تحریم‌ها را کم‌اثر کرده است. امارات هم از این موضوع سود می‌برد و اختلال در تجارت دوطرفه برای امارات اصلاح خوب نیست. یکی از عوارض آن ایجاد در دسترس جدید برای اقتصاد ایران است، چرا که پیدا کردن گزینه‌های جایگزین امارات، زمان‌بر و هزینه‌بر خواهد بود. البته گزینه‌های جایگزین مثل صهیونیستی، چنین موضعی اتخاذ کرده‌اند. امریکا و اسرائیل دنبال این هستند که شرکایشان را زیاد کنند و بدشان نمی‌آید پای سایر کشورهای حمله‌کشورهای منطقه را به جنگ با ایران بکشانند. انتظار بر این است که امارات و دیگر کشورها ملاحظاتی همسایگی، اشتراکات دینی و فرهنگی و منافع متقابل را در نظر بگیرند و به نفعشان نیست وارد این جنگ شوند. وقتی اسرائیل به وضوح از شعار نیل تا فرات سخن می‌گوید بدان معناست که عمده کشورهای عربی هم در معرض تهدید هستند. بنابراین باید موضعی در مقابل اسرائیل اتخاذ کنند اما کشورهای عربی با وجود آنکه سعی می‌کنند ملاحظاتی با افکار عمومی را در نظر بگیرند و رویکردی مقابله‌ای با رژیم

## تعیین دستمزدها در کشاکش دیدگاه‌های متضاد

مکمل به کارگران کمک کند، باعث رضایت‌مندی بیشتر دهک‌های محروم و حقوق‌بگیر خواهد بود. اگر این اتفاق بیفتد، کف حقوق حداقل ۲۰۰ میلیون تومان خواهد بود. البته این رقم هم در مقایسه با نرخ تورم و مشکلات عمومی کشور بالا نیست. برخی این معادله را قدیمی را دوباره مطرح می‌کنند که افزایش دستمزدها منجر به افزایش نرخ تورم و افزایش هزینه‌های تولید و معاقب آن تبدیل نبروه‌ای می‌شود. معتمد این یک بحث انتزاعی است، چرا که هزینه دستمزدها در قیمت تمام شده تولید کمتر از ۷ درصد است.

مساله امروز ما معیشت مردم و حداقل‌های زندگی است. در یک چنین شرایطی در هیچ جای جهان یک چنین بحث‌هایی مطرح نمی‌شود. طی سال‌های متعددی حتی زمانی که حقوق‌ها به اندازه تورم هم بالا نرفته، نرخ تورم با رشد قابل توجهی همراه شده است. طرح بحث‌هایی از این دست که کارگران برای افزایش دوباره دستمزدها در دستمزدها و افزایش نرخ تورم ثابت نشده است.

یادداشت - ۴

## انتخاب درست در شرایط بحران



محمد غفوری

بازار سرمایه را نمی‌توان صرفاً با معیارهای معمول اقتصادی تحلیل کرد. گرفتن کشور در وضعیت پر تنش و نگرانی، ریسک سیستماتیک سنگین، باعث شده بسیاری از معادلات رایج بازار سهام دچار اختلال شود. در چنین فضایی، انتظار

رفتار عادی از بازاری که ذاتاً مبتنی بر اعتماد، نقدشوندگی و جریان مستمر سرمایه است، چندان واقع‌بینانه نیست. نخستین نکته‌ای که سرمایه‌گذاران باید با آن روبرو شوند، پذیرش ماهیت بازاری است که در آن فعالیت می‌کنند. بازار سرمایه، برخلاف بازارهای توسعه‌یافته، از پشتوانه‌های قدرتمند منابع گسترده حمایتی برخوردار نیست. این بازار در شرایط عادی نیز با محدودیت منابع و ضعف‌نهادهای پشتیبان مواجه است، چه برسد به دوره‌های بحران. در این شرایط، بیرونی و ناطلمیاتی‌های جدی است و هیچ‌نوعی نمی‌کند. در اقتصادهای با کارآزمایی که بازارهای مالی با شوک‌های سیستماتیک یا نپیک‌های گسترده مواجه می‌شوند، دولت‌ها و نهادهای پولی‌باسته‌های حمایتی سنگین وارد عمل می‌شوند. این موضوع شرایط بازاری سرمایه‌ایران، قیاسی‌ناپرابر است. بازاری با ارزش حدود ۷۵۰ میلیارد دلار، نمی‌تواند انتظار حمایتی پر فشار و مستمر را داشته باشد؛ به ویژه در اقتصادی که خود با محدودیت منابع روبرو است.

تجربه‌های جنگ‌های گذشته نیز این واقعیت را تایید می‌کند. در مقاطع بحرانی پیشین، از جمله دوره‌های تنش نظامی، بارها زرمه حمایت‌های جدی از بازار شنیده‌شده، اما در عمل بازار روزهای منفی و فرسایشی سنگینی را پشت سر گذاشت. هر چند بازار در نهایت توانسته تا حدی خود را بازسازی کند، اما تجربه «پشتوانه ماندن» همچنان در حافظه فعالان بازار باقی مانده است. در چنین شرایطی، بسته‌ماندن بازار سهام در کوتاه‌مدت می‌تواند تصمیمی قابل دفاع تلقی شود. دلیل این موضوع نه بی‌اهمیت بودن بازار، بلکه محدود بودن منابع حمایتی و احتمال بالای خروج نقدینگی است. زمانی که منابع جدیدی وارد بازار نمی‌شود، بازگشایی کامل می‌تواند به تشدید فشار فروش و عمیق‌تر شدن بحران اعتماد منجر شود. از همین رو، سیاست‌گذار باید از هم‌اکنون برای مدیریت خروج نقدینگی و کنترل پیامدهای آن برنامه‌ریزی داشته باشد. در این میان، بازگشایی تدریجی برخی ابزارها، مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت، رویکردی منطقی‌تر به نظر می‌رسد. این صندوق‌ها به دلیل اهمیت کمر بستگی خود، می‌توانند نخستین گام در مسیر بازگشت آرام بازار باشند. **ادامه در صفحه ۳**